

## خطای تمرکز بر اطلاعات در دسترس Availability Bias

مقدمه: نکاتی در باره سوگیری های شناختی:

چندین هفته است درس های این دوره آموزشی "مهارت درست فکر کردن" به سوگیری های شناختی اختصاص پیدا کرده است. اهمیت شناخت این سوگیری ها از این نظر است که به ما کمک کنند در دام این خطاهای فکری نیافتیم.

البته قصد ما این نیست که سیستم باورهای شما را زیر سوال ببریم. فقط نکاتی بیان میشود که تامل برانگیز است و این شما هستید که فکر میکنید و نتیجه گیری میکنید آیا این مطالب به شما در اجتناب از خطاهای فکری کمک میکند یا خیر. این شما هستید که انتخاب میکنید.

یکی از نکات جالب در باره بحث مربوط به سوگیری ها این است که معمولاً هرکسی فکر میکند کمتر از دیگران در دام خطاهای سوگیری می افتد. مطالعات نشان داده افراد احتمال اینکه خود در دام سوگیری گرفتار شوند را کمتر از میانگین عمومی میدانند. بیشتر افراد این خطاهای فکری را در دیگران بیشتر از خود شناسایی می کنند.

ممکن است بعضی از اصطلاحاتی که در بحث مربوط به سوگیری ها استفاده میشود برای شما جدید یا ناشناخته باشد از این رو سعی میکنیم با مثالهای ساده، این مفاهیم را برای شما توضیح دهیم. چون هرچند ممکن است اصطلاحاتی که استفاده میشود برای شما جدید باشد، ولی با مثالهایی که میزنیم مشخص میشود که با این خطاهای فکری چقدر در زندگی روزمره برخورد میکنیم و با آنها آشنا هستیم.

نکته بسیار مهم دیگری که لازم است در بحث پیرامون سوگیری های شناختی مطرح کنیم هم پوشانی برخی از آنهاست. این نباید سبب سردرگمی و گیجی شما عزیزان شود.

## خطای تمرکز بر اطلاعات در دسترس چیست؟

یکی از خطاهای فکری، تمرکز بر اطلاعات موجود است؛ جایی که لازم است برای تصمیم گیری یا داوری در باره چیزی به اطلاعاتی فراتر از آنچه در ذهن داریم، دست یازیم. وقتی

ما به اطلاعات موجود در ذهن مان بسنده میکنیم و بر اساس آنچه میدانیم در باره موضوعی اظهار نظر میکنیم و یا تصمیمی میگیریم ما دچار این خطای فکری می شویم. همچنین وقتی ما در حل مسئله، راه حل دم دست را در نظر میگیریم و به جستجوی راه حل های دیگر و مقایسه آنها با راه حل موجود نمی پردازیم دچار این خطا می شویم. وقتی در کشوری مشکل کم آبی و کاهش نزولات آسمانی وجود دارد، وظیفه کارشناسان در رشته های مربوطه است که برای این مشکل به فکر چاره بوده و برنامه ریزی های موثر را در دستور کار قرار دهند. مثلا از طرفی باید منابع موجود آب مدیریت شود و از طرف دیگر باید دلایل علمی که سبب شده نزولات آسمانی کاهش پیدا کند شناسایی شده و چاره اندیشی شود.

اینجا عرصه ای است که باید دانشمندان مربوطه سخن بگویند. کسانی که عمرشان را صرف مطالعه و پژوهش در این زمینه کرده اند. اما دیده میشود شخصی که در این زمینه هیچ معلومات علمی ندارد، با مراجعه به داشته های ذهن خود میخواهد راهکار ارائه کند. اینجا این خطای فکری اتفاق می افتد. اظهار نظر بر اساس داشته های ذهنی وقتی این داشته ها لزوما ربطی به موضوع ندارد.

مثلا کسی که درس حوزوی خوانده نباید تلاش کند با معلومات و داشته های ذهنی خود دلیل کم شدن نزولات آسمانی را توضیح دهد. طبیعی است اگر چنین اقدامی کند مجبور میشود مسائل مذهبی و دستورات دینی خود را به نوعی به مشکل بوجود آمده ربط دهد. مثلا دیده میشود برخی حجاب خانم ها را به کاهش بارندگی ربط میدهند. البته این خطای فکری در میان همه کسانی که دروس حوزوی خوانده اند عمومیت ندارد مثلا یک بار یکی از مراجع تقلید شیعه، نسبت به این مسئله اعتراض کرد و گفت قبل از انقلاب که حجاب به این شکل نبود بیشتر برف و باران می بارید.

همانطور که میگوییم کسی که دروس حوزوی خوانده صلاحیت اظهار نظر در باره مسائل علمی را ندارد، به همین ترتیب کسی که با روش علمی کار کرده نباید در باره مسائل متافیزیکی اظهار نظر کند. دیده میشود کسانی می خواهند با محتوای ذهنی خود که ساینس است مسائلی را جواب بدهند که از درک آنها خارج است. مثلا دیده شده کسانی موضوع وحی یا کشف و شهود عرفا را با داشته های علمی خود نتیجه تشنج لب تمپورال دانسته اند. در این خطای فکری، افراد سعی میکنند بر اساس داشته ها و

معلومات ذهنی خود در باره هر موضوعی سخن بگویند. حال آنکه بهتر است هر کسی روی صندلی خودش بنشیند.

علت شیوع بالای این خطای فکری این است که وقتی موضوعی مطرح میشود هر کسی سعی می کند متناسب با محتویات موجود در ذهن خود آنرا تبیین کند و راهکار ارائه کند. اینکه شما اگر در یک مهمانی بگویند چند روزی است سردرد دارم معمولا همه به شما یک نسخه میدهند، بجز پزشکی که در آن جمع است. او چون درسش را خوانده میداند که بدون معاینه و انجام آزمایش نمیتوان به بیمار توصیه ای کرد. مشکل اینجاست که هر کسی سعی میکند متناسب با داشته های ذهنی خود در باره هر مطلبی اظهار نظر کند. ما باید ابتدا از خود سوال کنیم آیا دانش مربوط به موضوع را در اختیار داریم یا خیر.

علاوه بر این، باید به یک جنبه بسیار مهم دیگر نیز توجه داشته باشیم. لازم است متوجه این موضوع باشیم که چیزی که در لحظه به ذهن ما می رسد، لزوما برخاسته از کل دانش و تجربیات ما نیست. چرا؟ چون مغز برای پردازش سریع از روش میان بر استفاده میکند. این نکته همیشه باید در نظر ما باشد. مغز برای اینکه سرعت عمل بالایی داشته باشد از طریق آنچه که آنرا heuristic یا میانبر می شناسیم به اطلاعاتی که در دسترسش قرار میگیرد چنگ میزند و موضوع را بر اساس آن پردازش میکند و تصمیم میگیرد. یعنی اینکه ما همیشه به هنگام اظهار نظر یا تصمیم گیری، به کل محتوای ذهنی خود دسترسی نداریم.

خطای تمرکز بر اطلاعات در دسترس، گاهی در نتیجه تفکر سریع روی میدهد. در یک آزمایش که توسط تورسکی و کانمن انجام شد، از شرکت کنندگان خواسته شد حدس بزنند در زبان انگلیسی کلماتی که حرف اول آنها K است بیشتر است یا کلماتی که حرف سوم آنها K است. پاسخ بیشتر شرکت کنندگان گزینه اول بود چون کلماتی که با K شروع میشدند راحت تر به ذهن میرسیدند.

خوب است بدانیم هرچیز که در ثانیه های اول به ذهن ما میرسد لزوما جواب صحیح نیست.

در ذهن ما نقل قول ها، احادیث، و اشعار متنوعی وجود دارد. این اقوال گاهی با هم در تعارض و تقابل هم هستند. وقتی در موقعیتی قرار میگیریم بستگی دارد با توجه به شرایط روحی و روانی خود در آن لحظه چه شعر یا حدیث و سخنی یادمان آید. بر اساس آنچه

در آن لحظه بخصوص به ذهن ما خطور میکند تصمیم میگیریم که میتواند کاری نادرست باشد. کافی است بیت شعری یادمان آید که ما را به سخت کوشی و تلاش بیشتر فرا میخواند یا اینکه بیت شعری یادمان آید که میگوید سخت نگیر چون سخت میگیرد جهان بر مردمان سخت کوش. این میشود خطای فکری تمسک به اطلاعات موجود و در دسترس.

این خطای فکری گاهی پزشکان را نیز در تشخیص بیماری دچار خطا میکند جایی که در فصل سرماخوردگی های فصلی ممکن است تشخیص شان تحت تاثیر این مسئله قرار گیرد. فراوانی بیماران سرما خورده، ممکن است سبب شود برای بیماری که سرماخوردگی ندارد همین تشخیص دم دست در مورد او هم انجام شود.

بعد از دیدن یک فیلم در باره استفاده از سلاح های هسته ای، ذهن مستعد میشود خطر جنگ هسته ای را بیش از آنچه واقعا بر اساس واقعیات وجود دارد تخمین بزند. چون این افکار به تازگی در دسترس مغزش قرار گرفته است. شخص سعی میکند این موضوع دم دست را بیشتر در صحبت ها و گفتگوهای روزمره خود بکار ببرد و این نیز کمک میکند احتمال بروز یک جنگ هسته ای در ذهنش بیشتر شود.